

## قطره

من قطره ام ،  
یک قطره اشک تلخ ،  
که از چشم درد ، افتاده ام!  
و بر چهره ی حیات ،  
یک لحظه چون شهاب سرخ ،  
در دل تاریک شب ،  
می خندم و دوباره فراموش میشوم !

من یک قطره ام که بی تو ،  
در تن شن زارهای تب ،  
تبخیر می شوم !

ای چشمه امید ،  
در دل این شوره زار رنج ،  
با بی گناهی یک آرزو بجوش ،  
و مرا با صفای خویش به دریا بر !  
تا چون حباب ، بر کف امواج آبها ،  
با هم یکی شویم !

رضا شاپوریان

شنبه ۲ مای ۱۹۹۸